

اصول راهبردی صلح در اسلام

نقیسه فقیهی مقدس*، علی خلجی**، محمدعلی مهدوی راد***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱/۲۸

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره چهارم
- بهار ۹۳

اصول راهبردی
صلح در اسلام
(۷ تا ۲۶)

چکیده

صلح و امنیت از دغدغه‌های همیشگی بشر بوده و انسان همت خویش را در مسیر دستیابی به این آرمان به کار گرفته است؛ هرچند در نیل به این مهم همواره توفیق چندانی نیافته و جنگ و ستیز در همیشه تاریخ بشر روزافزون بوده است. صلح در اسلام به خاطر مبانی مبتنی بر وحی از ویژگی‌هایی برخوردار است که نظیر آن در هیچ مکتب فلسفی یافت نمی‌شود. توجه به نظریه‌پردازی صلح از این جهت ضرورت دارد که عدم درک صحیح آن و بی‌توجهی به ابعاد صلح در اسلام موجب حمله‌ها و شبهاتی از سوی غرب شده که دین خاتم را آیین خشونت و شمشیر معرفی نمایند. این مقاله به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد که چه راهبردهای کلانی در آموزه‌های اسلام تبیین شده است که براساس آن بتوان به صلح و آرامش دست یافت. این نوشتار می‌کوشد جامعیت و جهان‌شمولی اسلام و توانمندی آن در ارائه بهترین نظریه مبتنی بر صلح را بررسی نماید.

واژه‌های کلیدی: صلح، راهبرد، سلم.

* دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی N_faqihi@yahoo.com

** کارشناسی ارشد علوم سیاسی ali.khalaji110@yahoo.com

*** دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران- پردیس فارابی erad364@gmail.com

درآمد

تاریخ زندگی بشر همواره صحنه نزاع و جنگ‌های خونینی بوده است و این موجب خسارات جانی، مالی و روانی بسیاری بوده است. برقراری صلح و رفع نزاع، همواره دغدغه اندیشمندان بوده که موجب ارائه نظریات متعددی شده است. امروزه در رویکرد غربی نظریات متعددی برای برقراری صلح از جمله نظریه صلح پایدار امانوئل کانت ارائه شده است؛ اما ایده‌های صلح‌مدار ارائه شده، پیش از آنکه پوششی برای تأمین آرامش و امنیت تمامی جوامع باشد، در خدمت قدرت یا گروه خاصی قرار می‌گیرد. صلحی که برخی سردمداران اندیشه و برخی مدعیان صلح از آن سخن به میان می‌آورند، تصویری ناقص از صلحی ناپایدار است که نمی‌تواند سعادت بشر را تأمین نماید. براین اساس گاه جنگ‌هایی تقدیس و توجیه می‌شود و کشتارها، غارت‌ها و هجمه‌هایی مشروع دانسته می‌شود؛ اما دین اسلام رهنمودهای مهم و حیاتی را در قالب اصول راهبردی صلح برای رفع جنگ و نزاع در جوامع بشری ارائه می‌دهد که با تأسی به آن می‌توان جامعه جهانی را در پرتو صلحی که در خدمت آسایش و رفاه همه انبای بشر باشد، مدیریت نمود.

مفاهیم

برای تبیین بهتر می‌بایست دو واژه صلح و راهبرد تعریف گردد تا تصویر روشنی از بحث را بتوان ارائه داد.

مفهوم صلح

برای مفهوم صلح تعاریف متعددی در کتب و فرهنگ‌نامه‌های سیاسی درج شده است. این تعاریف عمدتاً اشاره به حالتی طبیعی، عادی و بدون جنگ دارد: «صلح حالت آرامش داخلی در یک کشور و روابط عادی با کشورهای دیگر، فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید». (آقابخشی، ۱۳۶۳: ۱۹۲) بنابراین صلح حالتی نه جنگ و نه صلح را شامل نمی‌شود، نظیر حالتی که ایران و عراق پس از جنگ هشت ساله داشتند. در فرهنگ جامع علوم سیاسی ذیل واژه صلح آمده است:

صلح در عرف سیاسی به حالت عدم مخاصمه بین کشورها اطلاق می‌شود. بین کشورهایی که در حال جنگ هستند، صلح در حالی برقرار می‌گردد که بین آنها پیمان صلح به امضا برسد. آتش‌بس در جنگ و حالت ترک مخاصمه، نظیر وضعیتی که بین ایران و عراق یا کشورهای عربی، اسرائیل (به استثنای مصر) وجود دارد صلح تلقی نمی‌شود، زیرا این کشورها هر آن ممکن است بدون اخطار قبلی وارد جنگ شوند. (طلوعی، ۱۳۷۲: ۶۰۲)

در اسلام مفهوم صلح دارای دو معناست: یک معنای آن آشتی و مسالمت، سازش و سازگاری است و کلمات صلاح و صالح که به معنای رفتار مطابق با عدل، انصاف، شایسته و به دور از هرگونه فساد است، و نیز واژه اصلاح به معنای صلح و الفت از همین ریشه است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ»؛ (انفال، آیه ۱) یعنی میان برادرانی را که با هم ستیزه دارند آشتی دهید.

معنای دیگر صلح در قالب واژه «سلم» در قرآن آمده است. در معنای «سلم» گفته شده است: آشتی و صلحی که در مقابل جنگ باشد. (راغب، ۱۴۱۸: ۴۲۳) همچنین در سوره بقره آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً...»؛ (بقره، آیه ۲۰۸) ای مؤمنین، همگی در صلح و سلم درآیید. هر دو واژه صلح و سلم چند بار در قرآن کریم آمده است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان گفت که صلح در سه معنا به کار می‌رود: ۱. معنای لغوی که به معنای دوستی، آشتی و سازش؛ ۲. معنای حقوقی که پایان یافتن ناسازگاری و نزاع بین دو یا چند نفر است؛ ۳. در معنای سیاسی آن که پایان اختلاف و جنگ بین دو کشور یا همزیستی مسالمت‌آمیز بین کشورها را نیز صلح می‌نامند.

مفهوم راهبرد

تاریخچه برنامه‌ریزی راهبردی یا استراتژی^۱ به امور نظامی بازمی‌گردد. این واژه پرکاربرد که امروزه در علوم مختلفی از آن استفاده می‌شود، در فضای رقابت‌های نظامی بروز و توسعه پیدا کرد، به گونه‌ای که فرهنگ لغات وبستر (Webster) استراتژی یا راهبرد را علم و هنر به کارگیری نیروی بازوی جنگجو برای محافظت و نجات امکانات در یک جنگ تعریف می‌کند. (کینز، ۱۳۷۹: ۲۹)

با وقوع انقلاب صنعتی و رشد روزافزون علوم مختلف و توسعه کشورها، راهبرد وارد علوم مدیریتی گردید و متعاقب آن در سایر عرصه‌های علمی نیز به کار گرفته شد. امروزه مفهوم راهبرد در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی کاربرد متداولی دارد و به لحاظ گستردگی و کاربرد مؤثر آن در حوزه‌های مختلف علمی، مورد توجه و استقبال اندیشمندان قرار گرفته است.

انجمن مطالعات عالی نظامی وابسته به پنتاگون استراتژی را این گونه تعریف می‌کند: «استراتژی علم و فن توسعه و کاربرد قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت

به هنگام صلح و جنگ و به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست است». (فارسی، ۱۳۷۰: ۱۹۸)

در علم مدیریت، راهبرد به معنای الگویی از تصمیم‌گیری است که اهداف، مقاصد و جهت‌گیری‌های سازمان را بیان می‌دارد. راهبردها، دارای برنامه‌های کلی، جامع و پایداری هستند که برنامه‌های خردتر سازمان را در برمی‌گیرند و فعالیت سازمان، تعیین اهداف بلند مدت، شناسایی عوامل تهدیدکننده و یا فرصت دهنده سازمان را شامل می‌شوند.

«استراتژی عبارت است از الگو یا طرحی که هدف‌ها، سیاست‌ها و زنجیره‌های عملیاتی یک سازمان را در قالب یک کل به هم پیوسته با یکدیگر ترکیب می‌کند». (کوئین، ۱۳۷۳: ۵)

بنابراین راهبرد یک برنامه کلی و جامع برای دستیابی به اهداف بلند مدت می‌باشد و زمینه مناسب را برای تحقق اهداف متعالی فراهم می‌سازد و می‌تواند مانند یک طرح یا الگوی کارآمد و اثربخش با تکیه بر نگرش بنیادین و همه‌جانبه، تصمیم‌گیران و فعالین در محیط مورد نظر را از تشویش و اضطراب در انتخاب یا تداوم مسیر نجات دهد و آنها را نسبت به رسیدن آرمان‌های خویش مطمئن سازد و تصویری روشن و جامع از اهداف را ارائه و در دستیابی به راهی که موجب ترقی و کمال است، رهپویان را یاری نماید.

دین اسلام برنامه زندگی انسان‌هاست که برای تمام عرصه‌های حیات بشر و همه زمان‌ها دستورالعمل دارد. این نظام‌نامه زندگی که توسط آخرین پیامبر الهی و با کتاب آسمانی قرآن به بشر ابلاغ شده است، مملو از راهبردهای دقیقی است که تصویر جامع و روشنی از جنبه‌های گوناگون زندگی بشر را تبیین می‌کند. در این کتاب آسمانی از راهبردهای خودسازی در عرصه‌های فردی گرفته تا استراتژی در سایر حوزه‌های اجتماعی از قبیل حکومت و ارتباط با سایر ملل و حکومت‌های دیگر را در بر دارد. راهبردهای قرآن کریم، مسیر رسیدن به کمال انسانی را با عنایت به سرشت انسان و با تناسب صحیح و کاملی از توانایی انسان، هدف از خلقت او، و محیط زندگی‌اش، ترسیم نموده و ضمن بیان نقاط ضعف و نقائص، اولویت‌های مهم را در مسیر دستیابی به هدف ارائه می‌نماید.

در این راستا آیات متعددی نیز در خصوص تعامل مسلمین با دیگر ادیان و حتی کافران و مشرکان ذکر شده است که مجموع آن، راهبردی جامع را در تدوین چگونگی رویکرد به دیگر جوامع بیان می‌کند. این راهبردها حکومت اسلامی را قادر می‌سازد تا مسیری مطمئن در هدایت امکانات جامعه ایجاد نموده و تصمیماتی اتخاذ نمایند که موجب حرکت جوامع مسلمان به کمال گردد. در این مقاله برآن هستیم تا راهبردهای صلح را از منظر قرآن بررسی نماییم.

روش تحقیق: برای درک دیدگاه قرآن کریم و استخراج راهبردهای صلح، نیازمند به کار بستن روشی متناسب هستیم. به همین منظور در این نوشتار سعی شده با استفاده از روش تحلیل محتوا به توصیف منظم و منظومه‌ای از ارتباطات معنایی پیام دست پیدا کنیم. تحلیل محتوا فنی است که به کمک آن ویژگی خاص پیام‌ها را به طور نظام یافته و عینی مورد شناسایی قرار می‌دهد. (فرانکفورد، ۱۳۹۰: ۴۶۹) به بیان دیگر، تحلیل محتوا روشی است که بتوان بر اساس آن خصوصیات زبانی یک متن گفته شده را به طور واقع‌بینانه یا عینی و به طور سیستماتیک، شناخت و از آنها نیز استنتاج‌هایی درباره مسائل غیر زبانی، یعنی درباره خصوصیات فردی و اجتماعی گوینده یا نویسنده، نظرات و گرایش‌های وی به‌دست آورد. (رفع پور، ۱۳۸۴: ۱۰۹) بنابراین روش تحلیل پژوهشگر را یاری می‌کند تا اهداف فرستنده پیام را به دست آورد و پیام‌ها را تجزیه و تحلیل نماید و آن را درک کند و به پاسخ پرسش‌های خود مبنی بر اینکه گوینده پیام چه اهدافی دارد و هدف از چنین پیامی چیست، دست یابد. صلح از جمله موضوعاتی است که در آیات مختلف قرآن کریم بدان اشاره شده است، اما نمی‌توان بدون روشی خاص و بی‌اعتنا به ارتباط آیات با یکدیگر به درک عمیقی از مفهوم صلح رسید و تحلیلی جدید که مبتنی بر واقعیات روز باشد و به حل مسئله کمک کند، ارائه داد. با استفاده از چنین ابزاری پژوهشگر ابتدا به آیات مختلف درباره زندگی اجتماعی انسان توجه کرده و در درک عمیق و فهم پیام‌های آن می‌کوشد؛ سپس به تحلیل آن و تکمیل منظومه‌ای به عنوان نگرش راهبردی رهنمون می‌شود.

ویژگی اندیشه صلح‌طلبی اسلام

دین اسلام مهم‌ترین مبنای فکری خود را در تبیین نحوه تعامل افراد انسانی با محور قراردادن اصل صلح و ثبات در جوامع، ارائه می‌نماید. قرآن کریم در یک فراخوان عمومی، جامعه ایمانی را به صلح و سلم فرامی‌خواند (بقره، آیه ۲۸۶) و پیروان مکتب الهی را به «دارالسلام» دعوت می‌کند. (یونس، آیه ۲۵) ویژگی‌های اندیشه صلح‌طلبی اسلام به بیان زیر است:

۱. واقع‌نگری

قرآن وجود تفاوت‌ها در جامعه بشری را امری طبیعی و ناشی از تفاوت در خصوصیات آفرینش، منطقه زندگی، اخلاق و عادات و دیگر عوامل طبیعی می‌داند. پروردگار متعال تفاوت و اختلاف را عامل افزایش شناخت انسان‌ها از یکدیگر معرفی کرده است. (حجرات، آیه ۱۳) همچنین برتری‌های مادی را «زینت دنیا» معرفی می‌کند که تنها در صورتی که به زیور تقوا که محور تعالی و اساس تکامل فردی و اجتماعی است آراسته شود، ارزشمند

بوده و عواملی نظیر برتری طلبی و بی‌عدالتی و ... که ثبات و آرامش جامعه بشری را بر اساس مزیت‌ها و موقعیت‌های فردی و اجتماعی بر هم می‌ریزد را مذمت می‌نماید (نساء، آیه ۳۲ / ر.ک: لقمان، آیه ۱۸ / نساء، آیه ۳۲) تا با سالم‌سازی و پاک‌سازی جامعه از تشمت و فتنه، زیرساخت‌های صلح فراگیر فراهم گردد. در مجموع می‌توان گفت «اختلاف و تفاوت» سنتی از سنت‌های الهی در حیات دنیوی و بایی از ابواب ابتلا و عامل نمو و تطور در حیات انسان است. خداوند از اینکه اختلاف سبب تفرقه بین انسان‌ها و علت جدایی آنان باشد بر حذر داشته و زمانی که مؤمنان به راه الهی پای‌بند بوده و هوا را کنار بگذارند، اختلاف بین آنها منبع خیر و برکت و رحمت است (نحوی عدنن، ۱۴۱۳: ۶۸).

به این ترتیب، اسلام با وجود ملت‌ها و قبیله‌ها و جوامع مختلف، هیچ مخالفتی ندارد؛ ولی معتقد است این ملت‌ها - علی‌رغم اختلافاتشان - باید تابع یک قانون باشند. آن‌گاه که قوانین خود را - با در نظر گرفتن اختصاصات ویژگی‌های جامعه خود - مبتنی بر بنیادهای برترین تفکر دینی طراحی و اجرا نمودند، در این صورت اختلافات به تعارضات و جنگ‌ها و درگیری‌ها منجر نمی‌شود و در آن صورت خواهد بود که اختلاف عامل رحمت و تکامل و رشد استعدادها می‌شود. در واقع اسلام با ایجاد وحدت در هدف و در بنیان‌های فکری و ارزشی انسان‌ها، در عین احترام گذاشتن بر اختلاف سلیقه‌ها و توجه به تکثر امیال و شرایط، همه ملت‌ها را یک‌پارچه می‌کند و جوامع مختلف و انسان‌های گوناگون را در تنظیم روابط خود با یکدیگر به سوی مقصدی واحد رهنمون می‌سازد. بر این اساس استراتژی اسلام در جهت برپایی صلح واقع‌گرایانه در جامعه، اصل «پذیرش کثرت در عین وحدت» است، چرا که با وجود اختلافات نژادی و حتی اعتقادی، می‌توان بر اصولی چون اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، اصل حفظ حرمت انسان، اصل عدم تجاوز، اصل عدم تکثیر سلاح‌های شیمیایی، اصل حفظ محیط زیست و... توافق نمود.

۲. همه جانبه‌گرایی

اسلام به همه ابعاد و محورهای مختلف ارتباطی انسان را توجه دارد و تمامی آنچه را انسان در تنظیم روابط خود بدان نیاز دارد براساس سلم، صلح و پرهیز از خشونت و تعارض تنظیم می‌نماید.

از یک بعد به تنظیم ارتباط مخلوق با خالق، به عنوان اصلی‌ترین محور ارتباطی انسان می‌پردازد. انسان در این قوس صعودی می‌تواند کمالات و شایستگی‌های خود را پیرواند و ضمن ارتباط با منبع سلم و ایمنی، (حشر، آیه ۲۳) سایر روابط خود را تنظیم نماید. مهم‌ترین شاخصه‌های این ارتباط طاعت و تسلیم (غافر، آیه ۶۶ / انعام، آیه ۵۷ / نساء، آیه ۱۲۵ و ۱۳-۱۴ / مائده، آیه ۹۲ و...) و حب الهی است، چراکه از یک سو کرامت انسانی ایجاد می‌کند که انسان تسلیم

نوع خود نباشد و از سوی دیگر انسان محدود هیچ گاه نمی تواند به همه جوانب مادی و معنوی افراد جامعه احاطه یابد تا بتواند با آگاهی، دستورالعمل هایی را که متناسب با صلح و سلم در جامعه است ارائه نماید. گوناگونی اقوال و تعارض های گسترده در دستورالعمل های بشری در جهان امروز بهترین گواه این محدودیت انسان است؛ از دیگر سو مبنای تسلیم دینی بر پایه حب و دوستی است.

خداوند کریم مؤمنان را با صفت حبّ الاهی معرفی می کند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...» (بقره، آیه ۱۶۵) امام صادق (ع) نیز در روایتی حبّ را وسیله سنجش ایمان معرفی می فرماید. «(لَا يُمَحِّضُ رَجُلٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَآبِيهِ وَأُمِّهِ وَوَلَدِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ وَمِنْ النَّاسِ كُلِّهِمْ)». مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۷: ۲۵)

محور دیگر در نگرش جامع اسلام توجه به ارتباط انسان با خودش است. از نظرگاه اسلام، انسان به عنوان اشرف مخلوقات و برگزیده الاهی در زمین، حامل کرامت و شایستگی است. هر چه انسان بهتر و بیشتر خود و توانایی های خود را بشناسد بهتر و مؤثرتر در زندگی فردی و اجتماعی عمل می نماید، زیرا در چنین حالتی انسان می تواند با تکیه بر اخلاق ماهیت خود را به خیرخواهی و صلح طلبی نزدیک نماید. انسان در این دیدگاه نه چون انسان اومانیسم دارای اصالت فردی و سودانگاری است و نه مانند انسان نهیلیسم بی هدف و بی هویت روزگار می گذراند. اسلام در کتاب آسمانی خودش ترسیم کاملی از محورها و ابعاد محوری انسان ارائه نموده و خودشناسی را یکی از طرق معرفت الاهی می داند. (محدث عاملی، ۱۳۸۰: ۲۳۴) بر این اساس اگر انسان با شناخت خویش به عنوان خلیفه الله طبیعتش را به خیر و رویکردش را به سلم و صلح نزدیک نماید می توان از چنین شخصی به عنوان کارگزار در روابط بین الملل انتظار صلح گرایی داشت. در غیر این صورت با انسان سودانگاری مواجه می شویم که طبیعتی منفعت جو و حریص دارد که برای دستیابی به خواسته های خویش رفتاری شریر خواهد یافت.

همچنین تنظیم تعامل انسان با دیگران از کارویژه های محوری دین است. در این رویکرد انسان مدنی الطبع است و اجتماعی زندگی کردن جزء شاخصه های درونی و فطری بشر است. انسان با امیال و خواسته های نامحدود خود، تراحم، کشمکش و مطالبه منافع شخصی را به دنبال دارد و چنانچه قوانینی از ناحیه همین انسان در جهت تنظیم روابط خود با دیگران جعل شود که بر پایه قوانین الهی نباشد، ناگزیر در محدوده تراحم ها و کشمکش ها قرار می گیرد، زیرا تجربه بشری نشان داده است که قوانین وضع شده به دست بشر نتوانسته است توافقی اجماعی با لحاظ منافع همه کشورها را ایجاد کند و از این رو واقع گرایان عرصه نظام بین الملل را دارای فضایی آناشری و هرج و مرج می دانند. دولت ها بازیگران

اصلی در سیاست بین‌الملل‌اند. محیط با نظام دولتی که دولت‌ها در آن زندگی می‌کنند، اساساً آنارشیک است.^۱ بنابراین قوانین بشری به‌تنهایی نمی‌تواند منافع همه دولت‌ها را به طور کامل تأمین نماید، جایگزینی هر روزه این قانون‌ها و تعارض روزافزون آنها، حاکی از عدم کارآمدی آنها تنظیم روابط فردی و اجتماعی بشر است.

در واقع تنظیم همین روابط است که عامل صلح یا جنگ در جوامع می‌شود. عمده مکاتب برای برقراری صلح و آرامش و از میان برداشتن جنگ و تعارض‌های مختلف سعی کرده‌اند با جعل قوانین به تنظیم روابط انسان‌ها با یکدیگر بپردازند؛ اما تنها قوانین الهی به‌طور عام و دستورهای اسلام به طور خاص ضامن صلح و آرامش حیات بشری و دربردارنده مصالح و منافع نوع بشر است، زیرا اسلام هیچ‌یک از ابعاد و محورهای مورد نیاز بشر را بی‌پاسخ نگذاشته و حیات فردی و اجتماعی انسان را با نسخه تکامل یافته خود راهبری می‌نماید.

اصول راهبردی صلح

قرآن کریم نه تنها بر صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید کرده (نساء، آیه ۱۱۴ و ۱۲۸) و مبانی نظری صلح‌طلبی را بر فطرت انسانی استوار می‌سازد، بلکه در مقام اجرا، مکانیسم‌ها و راهکارهای سازنده‌ای را در حفظ صلح و بسط و توسعه آن ارائه می‌نماید که در قالب اصول راهبردی سیاست صلح‌طلبی اسلام قابل طرح است.

دین اسلام با تکیه بر ایمان و عقیده صحیح و به مثابه یک نظم‌دهنده رفتاری سعی دارد به اصلاح ساختار نظام اجتماعی بپردازد و پس از آن به حل تنش‌های درون یک واحد اجتماعی بپردازد و سپس تنش‌های برونی آن را بر مبنای رفتار صلح‌آمیز و بر اساس عدالت حل نماید و امنیت و آرامش را برای جهان به ارمغان آورد. در این محور اصول راهبردی صلح‌طلبی اسلامی با استناد به آموزه‌های قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. بهینه‌سازی درونی (اصلاحات داخلی)

سیره پیامبر اسلام (ص) و نیز حضرت علی (ع) در مبارزه با فساد در جامعه گویای این امر است که از دیدگاه دین و حاکمان دینی، اگر کشوری از یک نظام سیاسی سالم، پیشرفته و قوی و روابط اصلاح یافته درونی برخوردار نباشد، نه تنها در مجموعه نظام بین‌الملل نمی‌تواند مؤثر باشد، بلکه در داخل نیز قادر به پیمودن راه رشد و صلاح نمی‌باشد.

(جعفریان، ۱۳۷۲: ۵۲) یکی از اموری که در قرآن به عنوان مبنای زمینه‌ساز صلح جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد، لزوم توجه به اصلاحات درونی در برنامه اصلاحات جهانی است. برای تحقق این مهم، قرآن کریم در قدم اول و در یک تقسیم‌بندی کلی، بر سه محور: فکر صالح، قول صالح و عمل صالح توصیه می‌کند. مؤمنین را از سوء ظن نسبت به یکدیگر برحذر داشته (حجرات، آیه ۱۲) و آنها را به نیکو سخن گفتن و دعوت به سلم و صفا فراخوانده (اسراء، آیه ۵۳ / فرقان، آیه ۶۳) و کردار شایسته را مبنای ارتباط بین افراد قرار می‌دهد. (مؤمنون، آیه ۹۶ / فصلت، آیه ۳۴)

رفتار و اخلاق دارای جایگاه ویژه‌ای در اسلام است؛ از این رو اخلاق جزئی از عقیده اسلامی است که پایه و اساس آن، ایمان به خدای یگانه و مالک هستی و به نظم آورنده آن به شمار می‌آید. خدایی که مردم را پس از مرگ، دوباره زنده می‌کند و آنان را به خاطر رفتارشان در دنیا حسابرسی نموده و مجازات می‌نماید. رفتارهای اخلاقی بر اصول عقلی قابل دفاع بنا شده و بر اساس توجه و تفکر و تدبیر در پدیده‌های طبیعی و سیر رفتارهای بشر در گذشته، و اعتقاد و ایمان به اندیشه جاودانگی زندگانی که محصور به این دنیا نبوده و تا جهان دیگر ادامه می‌یابد، پایه ریزی شده است. از این رو، اصول رفتارهای اخلاقی، دیدگاهی جهانی با افق‌های گسترده به گسترده‌گی آفاق جهانی دارد و این است که آرزوها را در انسان زنده نموده و امیدی را گسترش می‌دهد که به نفع منافع تمام انسانیت است؛ نه محدود به حدود فرد یا قبیله و منافع پست و تنگ دنیایی آنان، از نظر قرآن برخی از محورهای اساسی اصلاح نظام درونی جامعه اسلامی در جهت ایجاد صلح و امنیت و رشد و تکامل افراد جامعه به بیان زیر است:

الف) همبستگی بر اساس امت واحد

مسلمانان «امتی یگانه» به شمار می‌آیند و گروهی هستند که اعضای آن به وسیله پایه‌های فکری، اخلاقی و اعتقاد دینی به یکدیگر وابسته‌اند. امت گروه واحدی به شمار می‌آید و اسلام با وضع مجموعه‌ای از قوانین و تکالیف فردی و جمعی، پیوند مستمر و ناگسستگی میان امت اسلامی برقرار کرده است؛ این پیوند در عالی‌ترین شکل آن یعنی پیوستگی اجتماع بر بنیان اعتقادات، ارزش‌ها و باورهای دینی و محوریت حاکمیت خدا در تمامی عرصه‌های زندگی، ترسیم شده است و این وحدت و یکپارچگی امت و روح همبستگی آنان نقش مؤثری در استقرار آسایش و امنیت اجتماع و دفع مفسده‌جویان و آشوب‌طلبان می‌انجامد. اصول کلی حاکم بر امت و جامعه اسلامی در نظام نامه اداری که از سوی رسول خدا ترسیم شده و امت را به عنوان یک مجموعه واحد پشتیبان یکدیگر می‌داند

بیان شده است. (الصالحی الشامی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۸۲) و کسانی را که نسبت به امور امت اسلام اهتمامی ندارند از جرگه اسلام خارج می داند. (راوندی، بی تا: ۶۱)

ب) تقویت روحیه برادری

پروردگار متعال مؤمنان را برادر یکدیگر معرفی کرده (حجرات، آیه ۱۰) و نعمت برادری و اخوت را به یاد آنان می آورد. (آل عمران، آیه ۱۰۳/ ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۳۷۱) در این نوع مشارکت مردم به اقتضای «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» برای اعتلای کلمه ایمان و مبارزه با ظلم و فساد با یکدیگر پیمان برادری دارند. این حکم الهی بر وحدت و یگانگی عمومی امت اسلام تأکید عملی دارد. (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۸۷/ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۶۶)

ج) گسترش حسن ظن

خداوند اعتماد و اطمینان افراد به یکدیگر را اساس ارتباط و تعامل مشترک در جامعه قرار داده و از ظن و گمان سوء بر حذر داشته است. (حجرات، آیه ۱۴) اگر مبنای تعامل افراد بر پایه اطمینان و گمان نیکو استوار نگردد، افراد با کوچک ترین ظن و گمان سوء، علیه یکدیگر به مقابله می ایستند و آرامش و سلامت جامعه با مشکل جدی مواجه می شود. بر این اساس روایات متعددی نیز بر گمانه زنی نیکو و اعتماد بین افراد تأکید می ورزند. پیامبر (ص) در بیان گرانباز خود که حاکی از غایت تحفظ از سوء ظن است به توجیه و عذر تراشی نسبت به خطای دیگران فرمان می دهد. (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۲۲)

د) فروتنی

رفتار مسلمان بر توجه به عظمت پروردگار و توجه به حساب روز جزا تکیه دارد. این باور موجب سعی و کوشش در زندگی و توسعه آن شده و انسان را به مهم شمردن مسئولیت اخلاقی – که تحقق کامل آن بدون ایمان به روز پاداش ممکن نیست – سوق می دهد. پس چنین باوری، مسلمان را به فروتنی و دوری از پستی ها و پاکی قلب رهنمون می سازد. قرآن می فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان، آیه ۶۳) و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند.

ه) گسترش مصالح عمومی و عفو

بر مبنای آموزه های قرآنی، رفع اختلاف بین مسلمانان و برقراری صلح بعنوان نشان ایمان و در ردیف اطاعت از خدا و رسول ذکر شده است (انفال، آیه ۱/ ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴) و امیرمؤمنان علی (ع) اصلاح بین مردم را از کمال سعادت می داند. (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۸۲)

قرآن کریم اصلاح بین مؤمنان را از اسباب جلب رحمت الاهی قلمداد کرده (حجرات، آیه ۱۰/ ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۵: ۴۲۴) و عفو و گذشت از اشتباهات دیگران را وسیله خاموش شدن اختلاف و تحویل دشمن به دوست حمیم می‌داند. (فصلت، آیه ۳۴/ آل عمران، آیه ۱۳۴/ نور، آیه ۲۲) روایات معصومین عفو را از سنن انبیاء الاهی دانسته (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸: ۴۲۳) و آن را از بهترین اخلاق دنیا و آخرت و مایه افزایش عزت انسان می‌داند. پیامبر گرامی اسلام (ص) برترین مردم را کسی می‌داند که نسبت به دیگران عفو و احسان داشته باشد. (ترمذی، ۱۴۲۳: ۸۰۱/ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۷)

و) گسترش تعامل بر مبنای محبت و دوستی

تعالیم اسلامی بر مواصله و ارتباط جامعه اسلامی بر مبنای مودت و دوستی تأکید دارد و نصوص اسلامی این ویژگی را از خصال مجتمع اسلامی برشمرده‌اند؛ درحالی که جوامع مادی بر اساس استثمار و طمع و نیز بهره‌وری بیشتر شکل می‌گیرد. خداوند در آیات ۶۲ و ۶۳ سوره انفال، الفت و مهرورزی مؤمنین را بیان داشته و برآن تأکید می‌نماید. اجتماعی که بر محوریت دوستی و محبت و مهرورزی شکل می‌گیرد، انگیزش روانی قوی در افراد ایجاد می‌نماید که بتوانند به سهولت از مرز اختلافات و تضادهای ظاهری عبور کنند و در نتیجه درگیری و تنش از بین می‌رود. بر این اساس پیشوایان امت اسلامی را به مهرورزی و نیک‌رفتاری توصیه می‌نمایند: «تَوَاصَلُوا وَ تَبَارَّوْا وَ تَرَاحُمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ با یکدیگر پیوستگی و خوش‌رفتاری و مهرورزی داشته باشید و برادرانی نیکوکار باشید چنان که خدای عزّ و جل دستورتان داده است». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۷۵)

ز) اهتمام به تحقق عدالت اقتصادی

اصل عدم تمرکز ثروت و رفع اختلاف‌های فاحش و غیرعادلانه در نظام اقتصادی از اهداف والای تعالیم اسلامی است، به طوری که طبق آیه شریفه «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، آیه ۲۸) توزیع ثروت و در نتیجه توازن اقتصادی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی می‌باشد. برقراری عدالت اقتصادی و مبارزه با مفاسد مالی از دیگر مکانیسم‌های اجرایی رسیدن به صلح و آرامش در جوامع است. در جامعه‌ای که اختلاف فاحش طبقاتی حاکم باشد سخن گفتن از اخوت و همدلی و اتحاد بیهوده است، چرا که فقر عامل مؤثری در بروز جنایات بوده و زمینه شورش و ناامنی را فراهم می‌آورد.

قرآن کریم در تنظیم ثبات اقتصادی، مردم را به میانه‌روی در خرج و هزینه فراخوانده و از زیاده‌روی، اسراف، تلف کردن و حرص و تنگ‌نظری بر حذر داشته است. (اسراء، آیه ۲۶ و ۲۷/ اعراف، آیه ۳۱) همچنین افراد را از تکاثر، کنز و اتراف هشدار داده است. تکاثر از

«کثر» نقیض «قلت» و به معنای زیادت و فراوان طلبی است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۵: ۱۳۱) و کنز، گنج و مال اندوخته و نیز روی هم گذاشتن مال و محفوظ دانستن آن است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۲۲) و اتراف و ترفه بمعنای توسع در نعمت می باشد. (ابن منظور، بی تا، ج ۱: ۱۶۶) از سوی دیگر راهبرد تعدیل ثروت در اسلام از طریق قوانین مالی مانند خمس، زکات، ارث، انفاق، صدقه و... نقش بسزایی در تحقق عدالت اقتصادی و زندگی مسالمت آمیز دارد.

۲. بهینه سازی روابط بیرونی

با بررسی اصول حاکم بر اصلاح روابط افراد در درون یک جامعه اسلامی روشن شد که حفظ آرامش و ثبات داخلی و اصلاحات درونی نظام اسلامی برای برقراری صلح و امنیت در اولویت قرار دارد و تأکید نصوص دینی به جهت دهی اخلاق و رفتار بر محور اصول الهی، گویای اهتمام اسلام بر برقراری صلح و ثبات بر اصلاح درونی افراد جامعه است. با توجه به جامعیت اسلام (آرمان حاکمیت جهانی آن)، چه اصول و سیاست هایی در برنامه راهبردی اسلام برای حفظ و بسط صلح در عرصه بین الملل ارائه شده است؟ در ادامه، این اصول را در موارد ذیل خلاصه و ارائه می کنیم.

الف) همزیستی مسالمت آمیز

از نظر قرآن، صلح و همزیستی راهبردی مهم جهت حرکت اجتماع به سوی کمال تلقی می شود، زیرا مهم ترین هدف «ارسال رسل» استقرار عدالت اجتماعی است و این در معنای واقعی خود، صلح و امنیت اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

اسلام در برابر مشکلات اجتماعی همیشه موضعی واقع بینانه داشته و کوشیده است برای حل مشکلات، عوامل پیدایش آنها را ریشه کن سازد. در مورد جنگ و اختلاف های بین المللی، موضع اسلام این گونه بوده و لذا به صورت بنیادی، همت بر نابودی عوامل جنگ و نزاع گمارده است. شعار صلح طلبی اسلام را می توان در آیاتی چون «إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ» (نساء، آیه ۱۱۴) و «ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» (بقره، آیه ۲۰۸)، و نیز برگزیدن نام «اسلام» برای این دین و نیز حرام گردانیدن جنگ در ماه های حرام در سرزمین مکه و محل امن قرار دادن کعبه مشاهده کرد.

علاوه بر آیات متعدد، سیره پیامبر اکرم (ص) نیز بر همزیستی مسالمت آمیز تأکید دارد؛ چنان که آن حضرت برای ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره و توافقات اصولی و کشاندن آنان به مذاکرات صلح، از توافقاتی جزئی در مورد قدر مشترک ها هرگز صرف نظر نمی کرد و با توافق و قرارداد و معاهده در زمینه مسائل فرعی، راه را برای رسیدن به توافقات اصولی تر و بیشتر هموار می کرد، زیرا به خوبی می دانست دست یافتن

به تمامی هدف‌ها و توافقات در یک مرحله، خود مانع بزرگ پیشرفت مذاکرات و ادامه روابط مثبت دیپلماتیک است، ولی دستیابی به توافق نسبی و در مسائل ساده‌تر و کم اهمیت‌تر می‌تواند سرآغازی بر توافقات حتی همکاری‌های مهم‌تر و اصولی‌تر باشد. (موسوی، ۱۳۸۴: ۵۶) به همین دلیل هرگاه پیامبر اکرم (ص) می‌توانست با صلح، جامعه اسلامی را از گزند دشمنان دور نگه دارد یا زمینه‌ای برای گسترش اسلام در دیگر سرزمین‌ها ایجاد نماید، اقدام به عقد قرارداد صلح با غیرمسلمانان می‌نمود.

ب) تأکید بر مودّت و نیکی

احترام به کرامت انسانی و اصل مهرورزی و رعایت عدالت و ادب بین‌المللی محور ارتباط اسلامی است. خداوند متعال در آیات ۸ و ۹ سوره ممتحنه بر حفظ روابط دوستانه بین مسلمانان و غیرمسلمانان تأکید دارد و کسانی که با مسلمانان در جنگ و ستیزند و نیز کسانی که مسلمانان را از شهر و کاشانه خود بیرون رانده‌اند استثنا نموده است، چراکه دوستی با آنان فایده‌ای ندارد و اگر بر مسلمانان دست یابند با دست و زبان خود به آزار و اذیت می‌پردازد. اسلام در برخورد با بیگانگان و پیروان ادیان با مروت برخورد کرده و اقلیت‌ها را دارای حقوق ویژه‌ای دانسته است، پرهیز از سخت‌گیری و حسن سلوک و مهرورزی از نکات محوری است. (بواز، ۱۳۷۵: ۲۵۳) این ویژگی در سیاست خارجی دو الزام درونی دارد: ۱- احترام حقوق ملت‌ها که از آن به حفظ صلح و عدم تجاوز تعبیر می‌شود؛ ۲- توسعه ارتباط بین دولت‌ها و تعاون بر خیر و نیکی.

ج) تألیف قلوب

یکی دیگر از راهبردهای صلح و از اصول بسیار مهم اصل تألیف قلوب است. واژه «تألیف و الفت» در مواردی در قرآن به کار رفته است. (انفال، آیه ۶۳ / آل عمران، آیه ۱۰۳ / توبه، آیه ۶۰)

«مؤلفه» اسم مفعول از باب تفعیل و از «الفت» به معنای جمع کردن بعد از تفرّق و انضمام بعضی‌ها به آن است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸: ۳۳۶) «تألیف قلوب» یعنی نزدیک کردن قلوب با مودّت و احسان، (طریحی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۲۶) و «مؤلفه قلوبهم» بر کسانی اطلاق می‌شود که به وسیله مودّت و احسان مالی قلوب آنان به اسلام جلب گردد. آیه شریفه مفهوم وسیعی دارد و تمام کسانی را که با تشویق مالی، از آنها به نفع اسلام و مسلمین جلب محبت می‌شوند در برمی‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۸: ۵-۱۰)

پیامبر اکرم (ص) رهبر نخستین دولت اسلامی در موارد عدیده‌ای از این ابزار اقتصادی برای گسترش اسلام بهره گرفت و علی‌رغم مخالفت دیگران، در این جهت سرمایه‌گذاری می‌کرد؛ از جمله «در جنگ طایف به اشراف و بزرگانی که تازه مسلمان شده بودند یا

مشرکانی که به آن حضرت کمک کرده بودند از غنائم بیش از دیگران سهم داد تا سبب جلب نظر آنها و قبیله‌شان شود. (حمیری، ۱۳۸۳، ج ۳: ۷۸۶) هر چند برخی این حکم را منحصر به حمایت مالی و اقتصادی می‌دانند، اما با توجه به سیره رسول گرامی اسلام (ص)، شیوه‌های دیگری نیز برای تألیف قلوب مطرح می‌باشد؛ از جمله واگذاری برخی مدیریت‌ها و مسئولیت‌ها، به ویژه برای تحکیم بیشتر انسجام داخلی، یا به رسمیت شناختن اشخاص حقیقی و حقوقی گروه‌ها، سازمان‌ها، دولت‌ها و ملت‌ها و همچنین ابراز تمایلات و نیت‌های آشتی‌جویانه، در شرایطی که سرسختی و قهر هیچ نتیجه‌ای برای هیچ یک از طرفین دربرندارد؛ برای مثال پیامبر گرامی اسلام، برای گسترش اندیشه توحیدی و تقویت جبهه اسلام، علاوه بر بخشش و کمک‌های مالی بلاعوض، ابوسفیان را که تا روز فتح مکه دشمن سرسخت ایشان بود، مسئول جمع‌آوری زکات کردند، و یا حاکم دست‌نشانده خسرو پرویز در یمن به شرط اسلام آوردن، بر حکومت یمن ابقا می‌کند. همچنین برای رفع تنش میان جبهه اسلام و جبهه کفر، در حدیبیه اعلام فرمود: «اگر امروز قریش از من چیزی بخواهند که موجب تحکیم روابط خویشاوندی شود، من آن را خواهم داد و راه مسالمت‌آمیز در پیش خواهم گرفت». (سجانی، ۱۳۷۱: ۳۶۲)

د) التزام به پیمان‌های بین‌المللی

از نظر اسلام تعهد به پیمان و وفای به عهد یک سیاست استراتژیک و بلند مدت می‌باشد. آیه اول سوره مائده با دستور کلی وفای به عقود، مبنای مستحکمی برای این اصل ایجاد می‌کند و مؤمنان با اوصافی از جمله وفای به عهد و پیمان ستایش می‌شوند. (مؤمنون، آیه ۸) در آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره وفای به عهد و پیمان از نیک‌نهادی انسان دانسته شده است و در تفکر قرآنی در برابر پیمان خویش مسئول است و بایستی پاسخگو باشد. (اسراء، آیه ۳۴)

از تمسک به اطلاق آیات شریفه و نیز تصریح برخی آیات (توبه، آیه ۴) می‌توان التزام و وفا به پیمان‌های سیاسی را منتج گردید. بر این اساس می‌توان گفت که اصل اولیه در قراردادهای ملتزم بودن به آن است و بدون عذری موجه نظیر خیانت و نقض عهد از طرف مقابل نمی‌توان آن را فسخ کرد.

حضرت امیر (ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه در این باره می‌فرماید: «اگر میان تو و دشمن پیمانی بسته شد و یا تعهد کردی که به وی پناه بدهی جامه وفای به عهد خویش بپوشان و تعهدات خویش را محترم بشمار و جان خود را سپر تعهدات خویش قرار بده، زیرا هیچ یک از فرائض الهی نیست که همچون وفای به عهد و پیمان مورد اتفاق مردم جهان باشد».

ه) حل اختلافات بین المللی

اهتمام اسلام بر حل اختلاف‌های بین‌المللی، ناشی از دیدگاه صلح‌طلبانه و مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز این مکتب است.

اسلام برای رسیدن به صلح پایدار و تثبیت امنیت و ثبات اجتماعی، عوامل تنش‌زا و جنگ آفرین و اختلافات را از میان برمی‌دارد و ضمن اذعان بر این واقعیت که جنگ و تعارض همواره در تضادهای ناشی از منفعت‌طلبی، قدرت‌طلبی و برتری‌جویی انسان ریشه دارد، می‌کوشد تا آن را حل نماید. در این راستا از یک سو با وضع دستورالعمل‌های اخلاقی و انسانی می‌کوشد تا ریشه‌های تعارض و خصومت را قطع کند و از سوی دیگر شیوه‌های مناسبی جهت حل منازعات ارائه می‌نماید. مبنای سیاست خارجی اسلام در برخورد با اختلافات، عدم توسل به خشونت با امکان دستیابی به راه‌های مسالمت‌آمیز است، چراکه صلح‌گرایی هدفمند، از دید اسلام ارزش است و تمام تلاش در جهت برقراری صلح باید به کار گرفته شود. قرآن کریم سلطه‌جویی بر صلح‌طلبان را روا نداشته و می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتُلُوكُمْ». (نساء، آیه ۹۰)

۳. حکومت واحد جهانی

یکی دیگر از سیاست‌های راهبردی اسلام در جهت گسترش صلح و امنیت و از میان برداشتن جنگ و منازعه در جهان موضوع تأسیس حکومت واحد جهانی است. اسلام بر پایه نیاز فطری بشر و استدلال حکیمانه، بر این باور است که تنها راه عملی حل مشکل بشر و دستیابی به صلح و امنیت پایدار و تعالی و رشد انسانیت در فروپاشی مرزهای ساختگی و اعتباری ملی، نژادی و ایجاد حکومت واحد جهانی، تحت حاکمیت قانون آسمانی اسلامی است. در عصر حاضر، پیدایش سازمان ملل و سایر سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، صرف‌نظر از نحوه شکل‌گیری و ماهیت تشکیلات آنها، حاکی از نیاز جامعه بشری به یک حکومت جهانی بر اساس یک قانون مشترک در میان همه ملت‌هاست. بر این اساس بود که برخی از دانشمندان و متفکران در سال ۱۹۶۳م. در توکیو گرد آمدند تا طرح حکومت واحد جهانی را پی‌ریزی کنند، تا جهان در مجموع از تشکیلاتی واحد برخوردار گشته و جهان از یک قوه مقننه و مجریه پیروی کنند.

هر چند بشر نیاز به مدیریت واحد جهانی را در برقراری ثبات و صلح احساس می‌کند، اما هنوز نتوانسته است به الگوی مطلوب حکومت جهانی دست یابد، چراکه سردمداران زور و استکبار که داعیه رهبری جهانی دارند، منافع خود را دنبال می‌کنند و در نتیجه غیر از گسترش جنگ و فساد نتیجه‌ای عاید جهان نمی‌شود.

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره چهارم
- بهار ۹۳

اصول راهبردی
صلح در اسلام
(۷ تا ۲۶)

تلاش قدرت‌های گوناگون برای تعریف نظم مناسب جهانی، حکایت از آن دارد که آنان به شدت ایدئولوژیک بوده و «نظمی ایدئولوژیک» را برای آینده جهان در دستور کار خود دارند. با عنایت به الگوهای پیشنهادی اندیشه گران غربی، نظیر ایده فرانسیس فوکویاما (ال دو بنوا، ۱۳۷۰: ۱۴) و ساموئل هانتینگتون می‌توان چنین استنتاج کرد که نظم جهانی از ناحیه تعارض گرایش‌های ایدئولوژیک مختلف، تأثیر بسیار خواهد پذیرفت، و به یک معنا نظام بین‌الملل متناسب با ایدئولوژی‌ای که بتواند از این منازعه سرفراز بیرون آید، تعریف شده و شکل خواهد گرفت.

الگوی مطلوب حکومت جهانی

دستورهای اسلامی در اداره جامعه بیش از هر الگویی با جهان‌شمولی آمیخته و بر مبنای حاکمیت جهانی پایه‌ریزی شده است؛ الگویی که از معایب و کاستی‌ها پیراسته است. اسلام برای نخستین بار در تاریخ بشر، چارچوب و نظریه جهان‌شمولی را پایه‌ریزی نمود که حاکمیت قانون، حق، صلح و ثبات و امنیت، دست‌آورد عملی آن است. (نور، آیه ۵۵) اسلام در یک دعوت فراگیر و عمومی، همه اقوام و ملل و پیروان ادیان را به دین خاتم دعوت نموده و می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ». (اعراف، آیه ۱۵۸)

این آیه که در مکه نازل شده است دلیل روشنی بر جهانی بودن دعوت پیامبر اسلام است و همان طوری که تمامی مفسران نوشته‌اند پیامبر اسلام برای هدایت همه انسان‌ها برانگیخته شده است. دقت و تأمل در دو کلمه «الناس» و «جمیعاً» این حقیقت را به خوبی نشان می‌دهد که مخاطب مردم‌اند و پیامبر اسلام برای سعادت همه آنان آمده است.

همچنین آیات دیگری نیز عموم مردم را خطاب قرآن دانسته و یا به جهانی بودن دعوت نبوی اشاره می‌نماید. (نساء، آیه ۲۸؛ یونس، آیه ۱۰۸)

به طور کلی می‌توان گفت جهان‌شمولی اسلام از دو جهت بی‌نظیر است: نخست اینکه جهان‌شمولی اسلامی از جنبه نظری، مکتبی و تئوریک زاییده یک جهان‌بینی دقیق و منظم الهی است و عدالت محوری و صلح‌مداری ارکان اصلی آن در راستای رسیدن به تکامل و سعادت بشر می‌باشد. در حالی که نظریه‌پردازان بشری، نه تنها کاروان تمدن بشری را از حرکت به سوی قله‌های رفیع انسانیت و کمال و سعادت بازداشته‌اند، بلکه جهان را به وضعی رسانده‌اند که امروز کمتر ملتی در جهان احساس رضایت، امنیت و آرامش می‌کند

و سازمان ملل متحد که با هدف حفظ صلح و امنیت بین المللی تأسیس شده در واقع نتیجه‌ای جز حضور برتر قدرت‌های بزرگ و برخورداری آنها از حقوق و امتیازات ویژه نظیر حق وتو در شورای امنیت نداشته‌است.

دیگر آنکه اسلام تنها مکتبی است که با فکری فراگیر و منسجم به تمامی ابعاد فردی و اجتماعی دنیوی خود نظر دارد و پیوند استواری بین ارکان مختلف حیات بشری برقرار نموده است؛ درحالی که در بُعد علمی و نظری، نظریه‌هایی نظیر ناسیونالیسم، انترناسیونالیسم، سوسیالیسم، کاپیتالیسم و پلورالیسم، هیچ کدام از جامعیت و شمولیت کافی برخوردار نبوده و از زیر بنای فکری و جهان‌بینی عادلانه و عالمانه بی‌بهره بوده‌اند، که دلیل روشنی بر ناتوانی عقل محض در ارائه یک نظریه و جهان‌بینی صحیح و فراگیر برای اداره جامعه جهانی می‌باشد.

از مجموع مباحث پیش گفته به دست می‌آید که اسلام در تبیین نحوه تعامل افراد و انسان‌ها، صلح و ثبات را محور قرار داده و ضمن دعوت پیروان خود به آرامش و سلم، می‌کوشد تا با واقع‌نگری و همه‌جانبه‌نگری، راهکارها و دستورالعمل‌های مؤثری در بسط صلح ارائه نماید. محور قراردادن فکر صالح و پرهیز از هرگونه اندیشه ناصواب، قول صالح و پرهیز از هرگونه لغزش‌های کلامی برهم زننده صلح و آرامش و عمل صالح و پرهیز از ناهنجاری‌های رفتاری در تعاملات داخلی و بیرونی از جمله اصول راهبردی مهم و مؤثر قرآنی است. آنچه در نهایت برای رسیدن به صلح پایدار، محور و کانون توجه اسلام است جهانی‌سازی در پرتو اصول و آموزه‌های دین متعالی است.

منابع

۱. آصفی، محمد مهدی (۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۷م)، السلام فی الاسلام، رابطه الثقافات والعلاقات الاسلامیه.
۲. آقابخشی، علی (۱۳۶۳ش)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر تندر، چاپ اول.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۵. ابن عجبیه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، البحرالمذید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، ناشر: حسین عباس زکی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
۷. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا)، السیره النبویه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل (۱۳۷۸ش)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران، انتشارات سمت.

۹. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰ش)، جهانی‌شدن چالش‌ها و ناامنی‌ها (مجموعه مقالات)، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. افلاطون (۱۳۴۸ش)، جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۱. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳ش)، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
۱۲. باقری کبوری، علی (۱۳۷۰ش)، کلیات و مبانی جنگ و استراتژی، تهران، نشر بین‌المللی.
۱۳. بشته، اندرواس و السید امیر اکرمی (۲۰۰۶م)، الاسلام و العدل و العوامل التي تهدد هما فی عالم الیوم، لبنان، المكتبة البولسية.
۱۴. بوازار، مارسل (۱۳۷۵ش)، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۶. ترمذی، عیسی محمد بن عیسی بن سوره (۱۴۲۳ق)، سنن ترمذی (الجامع الصحیح)، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول.
۱۷. جعفریان، رسول (۱۳۷۲ش)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات.
۱۸. جیمز براین کرئین، هنری میتنبرگ، رابرت ام جیمز (۱۳۷۳ش)، مدیریت استراتژیک، ترجمه محمد صائبی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۹. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۲۰. حکیمی، محمود (۱۳۵۳ش)، انسان و الکترونیک، قم، دارالتبلیغ الاسلامی.
۲۱. حلمی، کریم، و احمد فرحات (بی‌تا)، الاسلام دین اسلام و حامی حقوق انسان، قاهره، دارالافاق العربیه، چاپ اول.
۲۲. حمیدالله، محمد (۱۳۷۹ش)، مجموعه الوثائق البیاسیه فی العهد النبوی و الخلافة الراشده، قاهره، مکتبه مدبولی.
۲۳. حمیری، عبدالملک بن هاشم (۱۳۸۳ق / ۱۹۶۳م)، السیره النبویه، تحقیق: محمد محی‌الدین عبدالحمید، مصر، مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده.
۲۴. حوی، عدنان علی‌رضا (۱۴۱۳ق / ۱۹۹۲م)، النهج و الممارسة الایمانیه فی الدعوة الاسلامیه، ریاض، چاپ چهارم.
۲۵. خلیلیان، سید جلیل (۱۳۷۵ش)، حقوق بین‌المللی اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه، تهران، چاپ دانشگاه تهران.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۸ق)، المفردات فی غریب الفاظ القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۲۸. راوندی، سید فضل‌الله (بی‌تا)، نوادر راوندی، قم، دارالکتاب، چاپ اول.

۲۹. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۴ش)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳۰. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ سوم.
۳۱. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۹۸۴م)، معالم الحکومة الاسلامیه، دراسه موسعه عن صیغه الحکومة الاسلامیه و ارکانها و خصائصها و برامجها، بیروت، دارالاضواء.
۳۲. سبحانی، جعفر (۱۳۷۱ش)، فراهانی از تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۳. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۲ش)، بررسی برخی از شیوه‌های تعمیق بینش سیاسی، قم، بوستان کتاب.
۳۴. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۱ش)، حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.
۳۵. شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷ش)، فقه سیاسی اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۶. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الامالی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۷. صاحب‌الزمانی، ناصرالدین محمد حسن (۱۳۴۵ش)، دیپلاچای بر رهبری، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
۳۸. صالح، احمد‌العلی (۱۳۸۱ش)، دولت رسول خدا(ص)، ترجمه هادی انصاری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۳۹. صدر، محمد باقر، نهضت و انقلاب مهدی، ترجمه سید مهدی آیت‌اللهی، قم، انتشارات جهان آرا.
۴۰. طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۴۱. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۷ش)، مجمع البحرین، تحقیق: سیداحمد حسینی، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۴۲. طلوعی، محمود (۱۳۷۲ش)، فرهنگ جامع علوم سیاسی، تهران، نشر علم، چاپ اول.
۴۳. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۴۴. عامری، هوشنگ (۱۳۷۷ش)، اصول روابط بین الملل، تهران، نشر آگه، چاپ سوم.
۴۵. عمادالدین، ابی الحسن عبد الجبار بن احمد (بی‌تا)، تنزیه القرآن عن المطاعن، بیروت، دارالنهضة الحدیثه.
۴۶. عماره، محمد (۱۹۹۶م)، الاسلام و الحروب الدینیة، قاهره، دارالثقافة الجدید.
۴۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷ش)، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴۸. _____ (۱۳۶۴ش)، وطن و سرزمین و آثار حقوقی آن از دیدگاه فقه اسلامی، یا جغرافیای سیاسی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۹. عنایت، حمید (۱۳۵۶ش)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵۰. فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۳ش)، استراتژی ملی، گزارش سمینار، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۵۱. فاستر، مایکل (۱۳۶۲ش)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۵۲. فرانکفورد، جاوا و دیوید نجماس (۱۳۸۱ش)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.
۵۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم.
۵۴. قائم، محمد (۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م)، مسأله‌شناسی مطالعات سیاسی اسلام، دارالصفوه.
۵۵. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۸ش)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، الکافی، تهران، نشر اسلامیه، چاپ دوم.
۵۷. کینز، تام و دیگران (۱۳۷۹ش)، طرح‌ریزی واحدهای صنعتی، ترجمه رضا زنجیرانی فراهانی، تهران، انتشارات ترمه، چاپ اول.
۵۸. گاستون، بوتول (۱۳۶۸ش)، جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فر خجسته، تهران، چاپ اول.
۵۹. لینکلین، اندرو (۱۳۸۵ش)، ماهیت و هدف نظریه روابط بین الملل، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۶۰. مجلسی محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۶۱. محمد امین (۱۴۰۳ق/ ۱۹۹۳م)، خصائص الدعوة الاسلامیه، اردن، مکتبه المنار.
۶۲. محمد، قاسم (بی تا)، نظرات فی الفكر السياسی السلام، بیروت، دارالصفوة.
۶۳. مراد، مصطفی (۱۴۲۶ق/ ۲۰۰۵م)، سیره الرسول، قاهره، دارالفجر للتراث.
۶۴. مصطفوی، حسن (۱۳۷۵ش/ ۱۴۱۷ق)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۶۶. _____ (۱۳۸۰ش)، پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۶۷. موسوی، محمد (۱۳۸۴ش)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران، مرکز بازشناسی اسلام (باز)، چاپ سوم.
۶۸. نامی، حسن (۱۳۸۲ش)، کتاب امنیت بین‌الملل: فرصت‌ها تهدیدات، چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۶۹. نجفی، موسی (۱۳۴۷ش)، تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷۰. واقدی، محمد بن عمر (۱۹۸۹م)، المغازی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۷۱. ورنر، شارل (۱۳۴۷ش)، حکمت یونان، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران، انتشارات زوار.
۷۲. ولایی، عیسی (۱۳۷۷ش)، مبانی سیاست در اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷۳. هاشمی نژاد، عبدالکریم (۱۳۵۲ش)، مشکلات مذهبی روز، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ دوم.
۷۴. یاسپرس، کارل (۱۳۶۳ش)، آگوستین، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، انتشارات خوارزمی.